



## The Growth of Urbanization in the Governorate of all ports and islands of the Persian Gulf (Bushehr,1961-1976)

Zeynab Ghanbarynejad<sup>✉ 1</sup>  Habibullah Saeedinia<sup>2</sup>  Hamid Asadpour<sup>3</sup> 

1. (Corresponding author) Ph.D. in History, Iranian Studies after Islam from Department of History, Faculty of Literature and Humanities Persian Gulf University, Bushehr, Bushehr, Iran. Email: [ghanbaryzaynab@yahoo.com](mailto:ghanbaryzaynab@yahoo.com)

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: [h\\_saeedinia@yahoo.com](mailto:h_saeedinia@yahoo.com)

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: [asadpour22@gmail.com](mailto:asadpour22@gmail.com)

### Article Info

Article type:

**Research Article**

Article history:

**Received:** 25 Augu2023

**Received in revised**

**form:**8Dece2023

**Accepted:** 30 Dece 2023

**Publishedonline:**8April2024

**Key word:**

Persian Gulf,  
Governor General of Ports and  
Islands of the Persian Gulf,  
Bushehr,  
Mohammad Reza Pahlavi,  
Migration,  
Urbanization,  
Marginalism.

### ABSTRACT

Urbanization is one of the most obvious manifestations of the evolution of human societies. The increasing expansion of urbanization and the increase in the number of cities and their quantitative and qualitative changes have been influenced by various factors such as industrialization, migration of villagers to cities, and social and cultural changes in different societies. From the 1320s onwards, when Iran underwent major political changes, the movement and internal movements in the country were also very noticeable. In the continuation of this process, at the beginning of the 1340s and with the implementation of social reforms by Mohammad Reza Shah, this movement became more intense in Iran, the obvious consequence of which was the expansion of cities and the development of urbanization in Iran. The question of this research is, what was the situation of the governorate of the ports and islands of the Persian Gulf (Bushehr) during the years 1340 to 1355 AH in terms of urban population and urbanization growth? And how did the number of its cities change quantitatively? The present research method is descriptive-analytical based on library and documentary sources and secondary analysis of population and housing census data in the target years. According to the research findings of the Governorate of the Persian Gulf Islands and Ports, which had the lowest rate of urbanization in the country in the years before 1340 A.H. it faced a high urbanization growth in the years after that. Bushehr, the centre of the governorate, received more than 50% of the internal immigrants of the province, and the expansion of the urban population in it caused the physical development of the city and the emergence of the phenomenon of marginalization in the city; However, due to the low population density, the number of its towns did not increase much during the years in question.

Cite this article: Zeynab Ghanbarynejad& Habibullah Saeedinia& Hamid Asadpour (2024) The Growth of Urbanization in the Governorate of all ports and islands of the Persian Gulf (Bushehr,1961-1976). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.33 Pages: 197-222.

DOI. 10.22111/JHR.2023.42403.3388






© The Author: Zeynab Ghanbarynejad& Habibullah Saeedinia& Hamid Asadpour

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



## رشد شهرنشینی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر، ۱۳۴۰-۱۳۵۵ش)

زینب قنبری نژاد<sup>۱</sup>  حبیب الله سعیدی نیا<sup>۲</sup>  حمید اسدپور<sup>۳</sup> 

۱. نویسنده مسئول) دکتری تاریخ مطالعات ایران بعد از اسلام، از دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران. رایانامه: [ghanbaryzeynab@yahoo.com](mailto:ghanbaryzeynab@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران رایانامه: [h\\_saeedinia@yahoo.com](mailto:h_saeedinia@yahoo.com)

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران رایانامه: [asadpour22@gmail.com](mailto:asadpour22@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

واژه‌های کلیدی:

خلیج فارس،

فرمانداری کل بنادر و جزایر

خلیج فارس،

بوشهر،

محمد رضا پهلوی،

مهاجرت،

شهرنشینی،

حاشیه‌نشینی.

شهرنشینی یکی از مشخص‌ترین نمود تکامل جوامع انسانی است. گسترش روزافزون شهرنشینی و افزایش تعداد شهرها و تغییرات کمی و کیفی آن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر صنعتی شدن، مهاجرت روستائیان به شهرها، تحولات اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف بوده است. از دهه ۲۰ به بعد که کشور دچار تحولات سیاسی عمده‌ای شد تحرک و جابجایی‌های داخلی در کشور نیز بسیار محسوس گردید. در ادامه این روند در آغاز دهه چهل و با انجام اصلاحات اجتماعی توسط محمدرضا شاه این تحرک در کشور شدت بیشتری یافت که پیامد بارز آن گسترش شهرها و توسعه شهرنشینی در دهه چهل و بعد از آن بود. سؤال این پژوهش این است که وضعیت فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) در طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ش از لحاظ جمعیت شهری و رشد شهرنشینی چگونه بود و تعداد شهرهای آن از نظر کمی چه تغییری یافت؟ روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری نفوس و مسکن در فاصله سال‌های مورد نظر است. طبق یافته‌های پژوهش فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس که در سال‌های قبل از دهه چهل دارای کمترین میزان شهرنشینی در کشور بود، در سال‌های بعد از آن با رشد شهرنشینی بالایی مواجه شد. بوشهر مرکز فرمانداری پذیرای بیش از ۵۰ درصد مهاجرین داخلی استان بود و گسترش جمعیت شهری در آن موجب توسعه فیزیکی شهر و پیدایش پدیده حاشیه‌نشینی در شهر شد؛ با این حال به دلیل تراکم پایین جمعیت تعداد شهرهای آن در طول سال‌های مورد نظر افزایش چندانی نداشت.

استناد: قنبری نژاد، زینب و سعیدی نیا، حبیب الله و اسدپور، حمید (۱۴۰۲) رشد شهرنشینی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر، ۱۳۴۰-۱۳۵۵ش) پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۳۳، ص ۱۹۷-۲۲۲.

DOI. 10.22111/JHR.2023.42403.3388

© نویسندگان: زینب قنبری نژاد و حبیب الله سعیدی نیا و حمید اسدپور

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان





## مقدمه

رشد شهرنشینی در کشور را می‌توان به دو دوره بطئی یا کند و سریع تقسیم کرد. دوره بطئی رشد شهرنشینی از انقلاب مشروطه آغاز و تا ابتدای دهه چهل ادامه داشت و دوره سریع آن با آغاز دهه چهل شروع شد. در ابتدای این دهه برنامه اصلاحات ارضی اجرا شد. این برنامه موجب آزاد شدن روستائیان از قید و بندهای نظام ارباب‌رعیتی گردید؛ اما با توجه به محدود بودن زمین قابل کشت و حاصلخیز بسیاری از روستائیان از حق دریافت زمین محروم شدند. در چنین شرایطی با نبود کار و بیکاری در روستاها بسیاری از روستائیان اقدام به مهاجرت کردند و راهی شهرها شدند. از طرف دیگر این مقطع هم‌زمان با اجرای برنامه‌های توسعه عمرانی در کشور بود؛ به طوری که این برنامه‌ها با اختصاص میزان اعتبارات بیشتر به شهرها تفاوت میان جوامع شهری و روستایی را بیشتر کردند. در این برنامه‌ها جمعیت روستایی اگرچه از جمعیت شهری بیشتر بود؛ اما میزان اعتبارات تخصیص‌یافته جهت عمران روستایی به مراتب کمتر از اعتبارات مصوب عمران شهری بود. بودجه بیشتر برنامه‌های عمران شهری، صرف بهبود زیرساخت‌های شهری شد که موجب رونق شهرها و فعالیت‌های شهری گردید. ادامه این روند باعث کاهش اهمیت کشاورزی، فروپاشی روابط سنتی در روستاها، تشدید مهاجرت‌های روستایی، گسترش شهرنشینی و رشد شهرها در مناطق مختلف کشور شد. محمدرضا شاه از حامیان اصلی تغییر ترکیب جمعیتی کشور و معکوس شدن نسبت روستا به شهر بود. او گسترش و رشد شهرها را از مظاهر اصلی رشد و توسعه‌یافتگی می‌دانست و دائماً برافزایش جمعیت شهری تأکید داشت. از نظر او افزایش جمعیت در شهرها منجر به حرکت به سوی توسعه خواهد شد. سؤال این پژوهش این است که وضعیت فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) در طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ش از لحاظ جمعیت شهری و رشد شهرنشینی چگونه بود و تعداد شهرهای آن از نظر کمی چه تغییری یافت؟ فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) به دلیل شرایط جغرافیایی منطقه و بی‌توجهی حکومت مرکزی به نواحی مرزی کشور و همچنین نبود شرایط مناسب تجاری و بازرگانی در نواحی بندری، این ناحیه همیشه از جمعیت شهری محدودی برخوردار بود. بوشهر تنها در مواقعی که کشور در صلح و آرامش بود و حاکمان توجهی به رونق تجارت و بازرگانی در سواحل و بنادر داشتند، جمعیت شهری مناسبی جذب می‌کرد و به محض ناامن شدن و از رونق افتادن تجارت و بازرگانی اکثر جمعیت آن فراری شده و اقدام به مهاجرت می‌کردند. در زمان رضاشاه با اجرای برنامه‌های تجاری جدید و اعمال سیاست‌های گمرکی جدید ساکنین این نواحی دچار لطامات شدیدی شدند و با انتقال نقش تجاری بوشهر به خوزستان وضعیت کسب کار در بندر بوشهر از رونق افتاد. در ابتدای حکومت

محمد رضا شاه نیز به دلیل اوضاع آشفته داخلی و هرج و مرج سیاسی توجه چندانی به عمران و آبادی بنادر و سواحل نمی‌شد. تنها با آغاز دهه چهل با اجرای برنامه‌های اصلاحی شاه و توسعه برنامه‌های عمرانی در شهرهای کشور، شاهد رشد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در شهرها و افزایش جمعیت شهری هستیم. با رشد و توسعه شهرها و رونق فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی در اکثر نقاط کشور، توجه دولت به نواحی ساحلی و بندری از جمله بوشهر نیز بیشتر شد. با اجرای اصلاحات ارضی بخش گسترده‌ای از جامعه روستایی این نواحی که از دریافت زمین محروم شدند و یا به دلیل محدودیت آب و زمین از تأمین مایحتاج خود در مانده بودند به مراکز شهری استان مهاجرت کردند. با توسعه فعالیت‌های عمرانی و اسکله سازی در بندر بوشهر این مرکز به مهم‌ترین مرکز جذب جمعیت تبدیل شد. هدف از پژوهش حاضر بررسی رشد جمعیت شهری و افزایش تعداد شهرها در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ش است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی همراه با تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری نفوس و مسکن در فاصله سال‌های مورد نظر است.

در زمینه رشد شهرنشینی در کشور تاکنون مطالعات بسیاری انجام شده است. اکثر پژوهشگران اوج رشد شهرنشینی در کشور را از آغاز دهه چهل و هم‌زمان با اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت می‌دانند. از جمله: فرخ حسامیان و گیتی اعتماد (۱۳۶۳) در کتاب شهرنشینی در ایران. به نظر نویسندگان روند عمده مهاجرت‌های روستایی و رشد شهرنشینی در ایران در دهه چهل و بعد از آن صورت گرفت که ناشی از عوامل دگرگون‌کننده ساخت تولید روستایی از یک سو و تشدید شکاف بین دستمزدها و در نتیجه سطح زندگی بین شهر و روستا بود. این امر موجب شکل‌گیری موج‌های گسترده مهاجرت‌های داخلی در کشور شد که نتیجه ملموس آن رشد شهرها و گسترش شهرنشینی در کشور بود. حسین شکوئی (۱۳۶۹) در کتاب جغرافیای اجتماعی شهرها. احمد اشرف و بنوعزیز (۱۳۷۲) در مقاله «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی». به نظر نویسندگان در اواخر دهه ۴۰ و با اتمام اصلاحات ارضی، ۷۴ درصد از کسانی که در فقر زندگی می‌کردند در مناطق روستایی بودند و به دلیل فقر و نداری اقدام به مهاجرت کردند. ابوالحسن دانش (۱۳۶۲) در کتاب مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم. حسین‌آبادیان (۱۳۹۷) در مقاله «اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران»، مهاجرت‌های روستایی صورت گرفته در دهه چهل و پیامدهای آن در زمینه رشد و توسعه حاشیه‌نشینی در شهر تهران را بررسی کرده است. در این مقطع تهران بزرگ‌ترین مرکز جذب مهاجرین روستایی در کشور بود و این شهر به عنوان پایتخت بیشترین رشد و توسعه شهری در کشور را داشت. در زمینه رشد شهرنشینی و گسترش شهرها و افزایش کمی

آن در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ش تاکنون پژوهش خاصی صورت نگرفته است؛ با این حال در همان زمان و در دهه ۵۰ با گسترش شهرنشینی و بروز مشکلات شهری «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران» بخش جامعه‌شناسی، مطالعاتی در مورد حاشیه‌نشینی که از نمودهای بارز گسترش و توسعه شهرهای کشور بود انجام داد که برخی از شهرها به صورت گزینشی انتخاب شدند. (همدان، کرمانشاه، بوشهر و بندرعباس) در این مطالعه بندر بوشهر نیز مورد مطالعه قرار گرفت که در آن به مهاجرت روستاییان، رشد شهرنشینی و پیدایش حاشیه‌نشینی در این شهر پرداخته است. همچنین گروه مطالعاتی سازمان برنامه و ژبویون خدمتگزاران بشر در مرداد ۱۳۵۱ طرح تحقیقاتی مشترکی در مورد حاشیه‌نشینی در بوشهر انجام دادند که هدف از آن ایجاد شرایط و خدماتی برای بهبود زندگی آن‌ها بود (ساکما-۲۶۸۳۷/۲۳۰؛ ۲۳۰/۲۳۵۳۴).

### موقعیت بوشهر در زمان قاجار و ساکنان آن

وشهر تا سال ۱۱۱۳ ش / ۱۷۳۴ م یک دهکده صیادی کم‌اهمیت و بندر کوچکی بود که تا حدودی از اهمیت محلی برخوردار بود (فلور، ۱۳۸۷: ۹). این شهر در منتهی‌الیه شمالی شبه‌جزیره‌ای اژدر مانند که از ماسه‌سنگ‌های دوران چهارم زمین‌شناسی ساخته شده بود، قرار داشت (لومیر، ۱۳۷۹: ۳۳۰). طول این شبه‌جزیره ۱۹/۳ کیلومترمربع و عرض آن در پهن‌ترین قسمت ۶/۴ کیلومترمربع بود که به موازات سرزمین اصلی واقع شده و در میانه آن توسط دشتی ماسه‌ای به پهنای حدود ۳۲/۱ کیلومترمربع موسوم به «مشیله» به سرزمین اصلی ایران متصل می‌شود. تا قرن ۱۷ م تنها «ری‌شهر» پرآوازه و مشهور بود، بعد از غارت آن توسط پرتغالی‌ها در سال ۹۱۱ ش / ۱۵۳۲ م و انهدام قلعه آن توسط صفوی‌ها در ۹۱۹ ش / ۱۵۴۰ م بندرهای هم‌جوار آن از جمله بوشهر به تدریج رونق یافته و رو به آبادی نهاد (فلور، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۱).

بوشهر از سال ۱۲۶۵ ش / ۱۸۸۶ م مرکز حکمرانی بنادر خلیج فارس بود و حکمرانان آن با عنوان «دریا بیگی» در این شهر حضور داشتند (فلور، ۱۳۸۷: ۳۵). در زمان قاجار بافت و کالبد شهر بوشهر و سازمان فضایی آن تغییر چندانی نیافت و دیوار شهر و دروازه‌های آن تا دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه هنوز پابرجا بود و در این زمان چند برج معروف دیگر به برج‌های قبلی افزوده شد. همچنین در این زمان و در دوران حکمرانی «میرزا حسنعلی دریا بیگی»، اقدامات عمده‌ای در جهت رفاه عمومی مردم انجام شد. از جمله این اقدامات، تعمیر دیوار شهر در سال ۱۲۳۳ ش بنای پانزده بدنه ساحل دریا در سال ۱۲۳۴ ش تجدید گمرک خانه بوشهر در سال ۱۲۵۸ ش، بنای توپخانه جدید بوشهر در سال ۱۲۶۲ ش، سنگفرش تمامی خیابان‌های بوشهر در سال ۱۲۶۳ ش، تخریب خانه‌های کپری مستمندان و عرب‌های

مهاجر در شهر و انتقال آنان به بیرون شهر برای حفظ زیبایی شهر و رعایت بهداشت در شهر بود (ری شهری، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۲).

از زمانی که بوشهر به‌عنوان مرکز خلیج فارس انتخاب شد، قبایل و افراد مختلفی از نقاط دور و نزدیک مانند اصفهان، شیراز، بهبهان، ده دشت، کازرون، دریس، فراشبند، دوان، دشتی، دشتستان و تنگستان به این شهر مهاجرت کردند (ری شهری، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۱۰). بوشهر در این زمان دارای چهار محله بهبهانی، دهدشتی، شنبیدی و محله کازرونی‌ها بود. فسایی تعداد جمعیت بوشهر در این زمان را مشخص نکرده و به‌طور تقریبی تعداد خانه‌های آن را از ۱۰۰۰ خانه بیشتر می‌داند (حسینی فسایی، بی تا: ۲-۳-۲۰۴). هیور (heaver) در سال ۱۸۱۷ م کل جمعیت بوشهر را ۱۲ هزار نفر برآورد کرده بود. ویلسون (Wilson) در سال ۱۸۲۸ م جمعیت آن را بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر تخمین زد. او مدت شش سال در بوشهر اقامت داشت و از وضعیت بوشهر اطلاعات دقیقی کسب کرده بود. تامسون (Thomson) در سال ۱۱۹۶ ش / ۱۸۶۸ م جمعیت این شهر را ۱۸ هزار نفر می‌داند، درحالی‌که لردکرزن (Lord Curzon) در سال ۱۲۶۷ ش / ۱۸۸۸ م جمعیت بوشهر را ۱۵ هزار نفر تخمین زده بود (استفان رای ۱۳۷۸: ۳۳) بنا به گفته لوریمر (Lorimer) در اوایل قرن بیستم بوشهر نزدیک به ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت داشت. در این زمان ساکنین بوشهر از اقوام مختلف و شهرهای هم‌جوار بوشهر و یا از کشورهای اروپایی و همچنین اقلیت‌های مذهبی بودند که در این شهر ساکن شدند (لوریمر، ۱۳۷۹: ۱۶۸-۱۶۹).

جدول شماره ۱: ساکنین بوشهر در آغاز قرن بیستم

گروه‌ها	تعداد	گروه‌ها	تعداد
بوشهرها	۵۰۰۰ نفر	صمفانی‌ها	۴۰ نفر
شنبدی‌ها	۲۵۰۰ نفر	خراجی‌ها	۳۰ نفر
بهبهانی‌ها	۱۰۰۰ نفر	اصفهان‌ها	۱۰ نفر
کازرونی‌ها	۱۰۰۰ نفر	تهرانی‌ها	۱۰ نفر
خنسیرها	۳۰۰ نفر	لنگه‌ای‌ها	۵ نفر
شیرازی‌ها	۲۰۰ نفر	بحرینی‌ها	۲۰۰ نفر
تنگستانی‌ها	۲۰۰ نفر	محل‌ها	۲۰ نفر
دوانی‌ها	۲۰۰ نفر	کوتی‌ها	۱۰ نفر
دهدشتی‌ها	۱۵۰ نفر	حسائی‌ها	۱۰ نفر
دشتی‌ها	۱۰۰ نفر	کبرجبرها	۵ نفر

مأخذ: لوریمر، ۱۳۷۹: ۱۶۸-۱۶۹

علاوه بر این افراد که ایرانی و از شهرهای مختلف و یا دیگر بخش‌های بوشهر بودند که در شهر بوشهر ساکن شدند، عده‌ای از افراد هم از کشورهای اروپایی و یا کشورهای شرقی و یا اقلیت‌های مذهبی بودند که در اوایل قرن بیستم در شهر ساکن شدند.

به‌طور کلی آمار دقیقی در مورد جمعیت بوشهر در دوران قاجار و تا قبل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن وجود ندارد. تمامی این آمار و ارقامی که بیان شد، به‌صورت تخمینی توسط شاهدانی بیان شده که مدتی در این شهر ساکن بودند. اما می‌توان گفت که بوشهر در آن زمان هم به خاطر شرایط جوی، وجود بیماری‌های مسری مانند طاعون و وبا، بیماری‌های بومی منطقه مانند «بیوک یا رشته»<sup>۱</sup> عدم رعایت بهداشت و امکانات بهداشتی و همچنین ستم حکام محلی و نظام حکومتی و قوانین غیرعادلانه گمرکی که غالباً تجار را فراری می‌داد، جمعیت چندانی نداشت.

### موقعیت بوشهر در زمان پهلوی

در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ ش کشور به ده استان به ترتیب شماره تقسیم‌بندی شد. در این تقسیم‌بندی بوشهر یکی از شهرستان‌های استان هفتم بود و طبق تبصره‌ای جزایر مجاور هر شهرستان هم تابع آن قرار گرفت (احمدیان، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳). در زمان محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۹ ش دولت مرکزی خواهان کنترل مستقیم بر مناطق ساحلی خلیج فارس و کاستن از حوزه نفوذ فارس در بوشهر شد؛ بنابراین طبق تصویب‌نامه شماره ۲۳۱۵۱ در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۳۳ ش فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر تشکیل گردید. این وضعیت چندان طول نکشید و طبق تبصره‌ای دیگر، فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر و فرمانداری کل بنادر و جزایر عمان به مرکزیت بندرعباس که از سال ۱۳۳۳ ش تشکیل شده بود، به موجب تصویب‌نامه ۴۶۶۴۲ در تاریخ ۱۳۴۶/۹/۱۸ به‌طور رسمی منحل شدند و سازمان استانداری بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان با عنوان استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان به مرکزیت بندرعباس را تشکیل دادند. این استان دارای پنج فرمانداری: فرمانداری بندرعباس، فرمانداری بوشهر، فرمانداری بندرلنگه، فرمانداری برازجان و فرمانداری میناب بود (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ۱۰۲). استان ساحلی به دلیل مخالفت و نارضایتی شدید مردم بوشهر و همچنین اخلاف در امور و دوری مرکز استان به فرمانداری بوشهر و برازجان و همچنین نارضایتی شدید اهالی بوشهر و نواحی تابعه آن که از حالت فرمانداری کل به فرمانداری شهرستانی تنزل یافته بودند، دوام چندانی نداشت (جعفری، ۱۳۴۶: ۱)؛ بنابراین باوجود مخالفت‌ها در تاریخ ۱۳۴۹/۹/۹ طبق تصویب‌نامه شماره ۴۰۲۲/۴ شهرستان‌های بوشهر و دشتستان از استان ساحلی جدا و با هم تشکیل فرمانداری کل بوشهر با مرکزیت بندر بوشهر دادند. این فرمانداری کل شامل دو شهرستان (بندر بوشهر و برازجان) و نه بخش بود. با افزایش جمعیت فرمانداری کل و

طرح‌های دولتی برای توسعه فرمانداری‌ها به موجب تصویب‌نامه ۷۴۰۵/م در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۲۵ فرمانداری کل بوشهر به استان بوشهر تبدیل شد (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در گذشته بوشهر به دلیل نامساعد بودن شرایط جغرافیایی، کمبود منابع آب، فقدان شبکه راه‌های اصلی و روستایی، نارسایی سیستم حمل و نقل و همچنین فقدان منابع عمده معدنی هیچ‌گاه نتوانست در مسیر توسعه مناسبی قرار گیرد (ساکما- ۲۶۸۳۷/۲۳۰). در زمان پهلوی اول و بعد از آن بوشهر اوضاع آشفته‌ای را پشت سر نهاد. احداث راه‌آهن سراسری و همچنین قوانین و مقررات حکومتی رضاشاه در دهه بیست، این شهر را دچار تحولات عمده‌ای کرد. در دهه بیست بوشهر و زندگی بازرگانی آن کاملاً از رونق افتاد. این بندر در آن زمان ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اسکله‌ها و باراندازها را داشت که فقط کشتی‌های سبک می‌توانستند در آن پهلو بگیرند. در این بندر هیچ‌گونه تجهیزات مدرنی وجود نداشت. شهر یک حالت خلوت و متروکی شده بود و جمعیت در آن به شدت کاهش یافته بود. همه جای شهر پر از بیماران تراخمی، جذامی و غیره بود. به طوری که می‌توان گفت در دهه ۲۰ نیمی از جمعیت شهر را فقیران و بیماران و معلولین تشکیل داده بودند. در آن زمان خود شهر فاقد هرگونه منبع آب آشامیدنی بود. معمولاً اهالی آب باران را در مخازن آب سنگی جمع و در سردابه‌ها نگهداری می‌کردند. از بهداشت و نظافت شهری هم هیچ خبری نبود و همه جای شهر را لجن، زباله‌های مختلف، تعفن و بوی بد فراگرفته بود (ابوانف، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۳).

در زمان محمدرضا شاه، ساکنین بنادر و جزایر خلیج فارس، عموماً به کشت و زرع، دامداری و صید اشتغال داشتند و با توجه به محرومیت منطقه، اکثر ساکنین این نواحی در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند. قحطی، خشک‌سالی و ملخ دریایی، در این مناطق زراعتی باقی نگذاشته بود و با محدود شدن معاملات مرزی که از زمان رضاشاه مقرر شده بود، اهالی بنادر جنوب حتی نمی‌توانستند مایحتاج اولیه خود را تهیه کنند (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۶۰۶). در این زمان مردم نواحی مختلف بوشهر از جمله: گناوه، شبانکاره، انگالی و دیگر نقاط آن به دلیل قحطی و گرسنگی به نواحی اطراف از جمله خوزستان و آبادان مهاجرت کردند. در گزارش‌های موجود در اوایل دهه ۲۰ از گناوه ۷۰۰ نفر، از شبانکاره و انگالی نزدیک به ۴۰۰۰ نفر به دلیل مجاعه و گرسنگی اقدام به مهاجرت کردند (ساکما- ۳۱۰/۱۷۰۶۱). در اوایل دهه ۴۰ نیز در نواحی مرزی جنوب واحد کارگری مناسبی وجود نداشت، منحصراً کارخانه‌ای در بوشهر دایر بود که آن هم در شرف تعطیلی قرار داشت. کشاورزان بومی که اکثریت ساکنین این منطقه را تشکیل می‌دادند به علت نداشتن ممر معاش اغلب دسته جمعی از طریق قاچاق به شیخ‌نشین‌ها رهسپار شدند (ساکما- ۲۹۳/۱۳۷۲۵). در دهه چهل و بعد از آن با اجرای اصلاحات ارضی و آزاد شدن روستائیان از قیدوبند ارباب‌رعیتی، روستائیان این مناطق نیز تحت تأثیر

اصلاحات جدید دچار تحولات عمده‌ای شدند. بعد از اصلاحات ارضی و آزادی رعیت، آنان دیگر حاضر به تحمل شرایط موجود نبوده و در اولین فرصت اقدام به مهاجرت کردند.

هم‌زمان با اجرای اصلاحات ارضی، سومین برنامه عمرانی دولت نیز در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۱ ش در کشور اجرا شد. در این برنامه دولت تأکید خاصی بر سرمایه‌گذاری در بخش عمران شهری، به‌ویژه فعالیت‌های ساختمانی و بخش‌های خدماتی مانند بانکداری، بیمه و صنایع سنگین داشت. در این برنامه پیش‌بینی شده بود که بیشتر از منابع داخلی استفاده شود که این کار از راه صرفه‌جویی ملی و اخذ مالیات بیشتر امکان‌پذیر بود؛ اما همچنان سهم نفت از کل اعتبارات این برنامه ۶۶ درصد و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی آن محسوب می‌شد (قدیری معصوم، ۱۳۸۷: ۷۳). در این برنامه میزان اعتبارات مصوب شهری با داشتن جمعیتی حدود ۹۷۹۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵، ۷/۳ میلیارد ریال و میزان اعتبارات پرداختی در این بخش ۷/۲ میلیارد ریال بود؛ اما میزان اعتبارات مصوب روستایی با داشتن جمعیت ۱۵۹۹۴۰۰۰ نفر در همین سال ۴/۹۳۳ میلیارد ریال و مقدار پرداختی آن ۴/۷۸۹ میلیارد ریال بود (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۵: ۱۸). در این زمان جمعیت روستایی اگرچه از جمعیت شهری بیشتر بود، اما میزان اعتبارات تخصیص‌یافته جهت عمران روستایی به‌مراتب کمتر از اعتبارات مصوب عمران شهری بود. با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآوری در شهر پدید آمد و شهر به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی برای بیکاران خصوصاً بیکاران روستایی بدل شد.

در دهه ۵۰ و با افزایش قیمت نفت، توان دولت در سرمایه‌گذاری طرح‌های عمرانی بیشتر شد. بخش اعظمی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و در مرحله بعد صرف سرمایه‌گذاری صنعتی شد. بوشهر تقریباً تا پایان دهه ۴۰ به دلیل شرایط موجود از توسعه فعالیت‌های عمرانی که در اکثر نقاط کشور شدت یافته بود بهره‌چندانی نداشت. این شهر تا سال‌های قبل از نیمه دوم دهه ۵۰ شرایطی کاملاً مهاجر فرست داشت و عموماً غیر از بومیان استان از دیگر مناطق کشور غیر از مأمورین دولتی، مهاجرین غیر استانی بسیار کمی داشت؛ اما از دهه ۵۰ و بعد از افزایش قیمت نفت، از طرف دولت توجه ویژه‌ای به این استان شد. خصوصاً از سال ۱۳۵۲ که بوشهر از حالت فرمانداری خارج شد و به استان تبدیل شد، رسیدگی به امور این بندر و فعالیت‌های عمرانی در آن بیشتر شد (حیدری، ۱۳۹۲: ۵۳). از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این دوره، استقرار تعداد زیادی واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ، رشد و توسعه خدمات بندری، وارداتی و تجاری ایجاد تأسیسات خدمات اجتماعی، تأسیس اسکله بارگیری و باراندازی، ایجاد ساختمان‌های دولتی ساختمان فرودگاه، منازل کارمندان ادارات دولتی، مدارس و پایگاه‌های نیروی دریایی بود (ساکما-۲۹۳/۱۳۷۲۵).

در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها فرصت‌های شغلی جدیدی در شهر بوشهر ایجاد شد که پیامد اصلی آن

جذب جمعیت در شهر نه تنها از روستاها و شهرستان‌های خود استان بلکه از استان‌های دور و نزدیک و گسترش شهرنشینی در آن شد.

### تغییرات جمعیت شهری در بوشهر

بر اساس تقسیمات کشوری فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس از سال ۱۳۳۳ ش تشکیل شد؛ اما در اولین سرشماری کشور در سال ۱۳۳۵ ش این فرمانداری همچنان جزء استان فارس و بنادر محسوب گردید. در این زمان این فرمانداری دارای ۲ شهرستان (بوشهر، دشتی و دشتستان) و ۲ شهر (بندر بوشهر و برازجان) بود که جزء شهرهای استان فارس به حساب آمد. در این مرحله درصد جمعیت شهری در بوشهر (۳۴/۳ درصد) و در برازجان (۹/۳ درصد) بود که با وجود دو شهر، جزء مناطق با کمترین درصد شهرنشینی در کشور محسوب می‌شدند (مرکز آمار و سرشماری کشور، شهرستان بوشهر، ج ۱۳۹؛ زنجانی و رحمانی، ۱۳۶۸: ۲۵-۲۶). در سرشماری سال ۱۳۴۵ فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس با حوزه‌های مستقل سرشماری از استان فارس، دارای ۲ شهرستان و ۴ شهر (بندر بوشهر، خارک، بندر دیلم و برازجان) بود. در این مرحله درصد شهرنشینی کل فرمانداری (۲۱/۷ درصد) بود. شهرستان بوشهر با سه شهر (بندر بوشهر، خارک و بندر دیلم) دارای (۱۹/۵ درصد) جمعیت شهری بود. در این شهرستان تنها بندر بوشهر بالای ۲۰ هزار نفر جمعیت داشت و دو شهر دیگر شهرستان بندر دیلم و خارک به ترتیب ۵۲۵۵ و ۵۴۶۴ نفر جمعیت داشت (سازمان برنامه، مرکز آمار و سرشماری کشور، شهرستان برازجان ۱۳۴۵: ج ۱۴۰). البته این دو ناحیه چندان ساختار شهری نداشتند، چون طبق مصوبه جدید تنها نقاط بالای ۵ هزار نفر شهر محسوب می‌شدند، این دو منطقه نیز در شهرستان بوشهر شهر اعلام شدند. نکته قابل توجه این دو شهر رشد چشمگیر آنان بود. خارک در سال ۱۳۳۵ ش تنها ۶۴۷ نفر جمعیت داشت؛ اما در سال ۱۳۴۵ ش تعداد جمعیت آن به ۵۴۶۴ نفر افزایش یافت (۷۴/۵ درصد). همچنین بندر دیلم که در سرشماری مرحله اول تنها دیلم ذکر شده بود، ۳۶۹۱ نفر جمعیت داشت و در سال ۱۳۴۵ تعداد جمعیت این روستا به ۵۲۵۵ نفر (۴۲ درصد) افزایش یافت (مرکز آمار و سرشماری کشور، شهرستان برازجان، ۱۳۴۵: ج ۱۴۰).

دومین شهرستان این فرمانداری، شهرستان دشتستان تنها دارای یک نقطه شهری (بrazجان) و ۸ دهستان بود. جمعیت شهری این شهرستان در سال ۱۳۴۵ ش (۲۶/۸ درصد) برآورد شده بود. طبق جدول شماره ۱، در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ش در بین شهرهای فرمانداری بالاترین رشد شهری متعلق به برازجان بود. این شهرستان از مراکز عمده روستایی و کشاورزی کشور و کمترین درصد شهرنشینی را داشت. تنها شهر آن یعنی برازجان در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۴۵ ش با

رشد سالانه ۷/۱ درصد دارای بالاترین رشد جمعیت شهری در این فرمانداری بود. در این دهه شهر برازجان به تنهایی پذیرای اکثر مهاجرین روستایی و دهستان‌های اطراف خود بود. جمعیت شهری این شهرستان که در سرشماری ۱۳۳۵ ش، ۹/۳ درصد بود، با افزایش سریع جمعیت شهر برازجان درصد جمعیت شهری آن در سرشماری سال ۱۳۴۵ ش، به ۲۶/۸ درصد رسید. جمعیت شهر برازجان در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ش، ۹۸/۹ درصد یعنی ۱۰۱۲۴ نفر افزایش یافت (مرکز آمار و سرشماری کشور، شهرستان برازجان، ۱۳۴۵: ج ۱۴۰).

جدول شماره ۱- تعداد جمعیت شهری و شهرها در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس

درصد جمعیت شهری			تعداد شهر			تعداد جمعیت شهر			فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس	
۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	شهر	شهرستان
۳۶/۵	۱۹/۵	۳۴/۳	۴	۳	۱	۵۸۹۵۶	۲۳۵۴۷	۱۸۴۱۲	بوشهر	بوشهر
۲۹/۲	۲۶/۸	۹/۳	۱	۱	۱	۳۱۶۱۱	۲۰۳۵۷	۱۰۲۳۳	بrazجان	دشتستان

(مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، جلد ۱۳۹-۱۴۰)

به‌طور کلی رشد شهرنشینی در فرمانداری بوشهر بالا بود؛ اما تعداد نقاط شهری آن چندان افزایش نیافت. دلیل این امر از یک طرف به خاطر جمعیت کم فرمانداری کل و از طرف دیگر این که فرصت‌های شغلی عمده تنها در بوشهر مرکز فرمانداری و به‌صورت محدودتر در برازجان متمرکز بود. از این رو اکثر مهاجرین روستایی جذب این دو مرکز شده بودند. با توجه به رشد طبیعی بالای جمعیت شهری و همچنین ادامه روند مهاجرت روستایی، جمعیت شهری فرمانداری در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش که فرمانداری به استان نیز تبدیل شد، همچنان ادامه یافت. در این مرحله جمعیت شهری در فرمانداری رشد چشمگیری داشت به طوری که از ۲۱ درصد به ۳۴/۲ درصد رسید (زنجانی و رحمانی، ۱۳۶۸: ۱۷۵ به بعد). استان بوشهر در سرشماری ۱۳۵۵ ش همچنان دارای دو شهرستان بود و تنها تعداد شهرهای آن از ۴ شهر به ۵ شهر افزایش یافت. نقاط شهری شهرستان بوشهر شامل (بندر بوشهر، بندر دیلم، بندر گناوه و شهر خورموج) بود. در این مرحله بندر گناوه بیشترین رشد جمعیت شهری در استان را دارا بود. این شهر در سال ۱۳۴۵ ش با ۴۰۹۴ نفر جمعیت از نقاط پرجمعیت شهرستان بوشهر بود که از سال ۱۳۴۵ ش به بعد بارونق فعالیت‌های عمرانی و بندری در این منطقه، اکثر روستائیان اطراف و نقاط دورتر جذب این بندر شدند. جمعیت این شهر با رشد ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۵ ش به ۱۵۲۹۴ نفر افزایش یافت و بعد از برازجان از پرجمعیت‌ترین شهرهای استان بود. خورموج منطقه تازه شهر شده‌ی استان نیز در سال ۱۳۴۵ ش با ۳۹۳۳ نفر جمعیت از دیگر نقاط پرجمعیت شهرستان بود

که در سال ۱۳۵۵ ش با افزایش جمعیت آن به بیش از ۵ هزار نفر به شهر تبدیل شد (۶۰۲۲ نفر). با اعلام شهرهای جدید درصد جمعیت شهری در شهرستان بوشهر که در سال ۱۳۴۵ ش تنها ۱۹ درصد بود، در سال ۱۳۵۵ ش به ۳۶/۵ درصد رسید که رشد قابل توجهی بود (سرشماری نفوس و مسکن بوشهر، ۱۳۵۵: ج ۱۴۳).

جدول شماره ۲- تغییرات جمعیتی شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر بوشهر

میزان رشد سالانه			تغییرات جمعیتی در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵			نام شهر
سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵-۱۳۳۵	۱۳۴۵-۱۳۵۵	سال
بوشهر	۱۸۴۱۲	۲۳۵۴۷	۵۸۹۵۶	۲/۵	۹/۶	۷/۴
بrazجان	۱۰۲۳۳	۲۰۳۵۷	۳۱۶۱۱	۷/۱	۴/۵	۷/۸
بندر گناوه	۲۶۹۵	۴۰۹۴	۱۵۲۹۴	۴/۳	۱۴	۱۰/۶

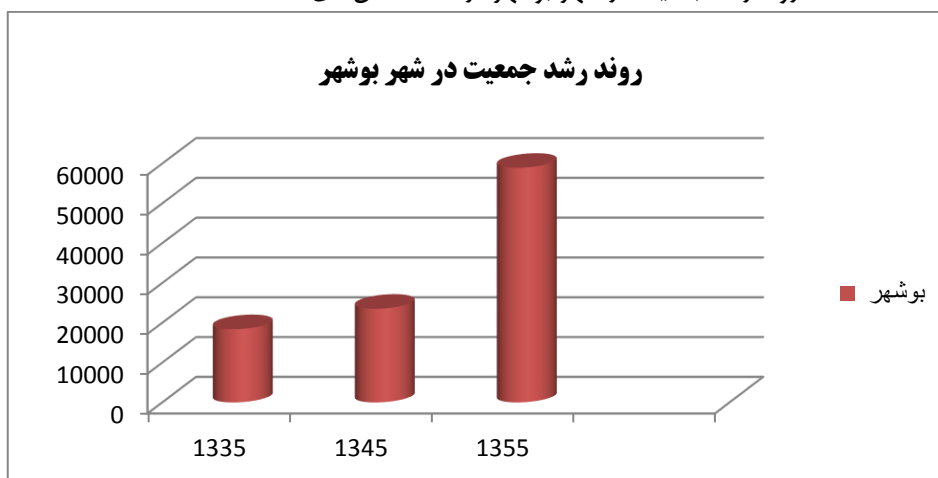
(مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵، ۱۳۳۵، ۱۳۵۵؛ زنجانی و رحمانی، ۱۳۶۸: ۱۷۵ به بعد)

در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش دومین شهر پرجمعیت استان بوشهر، همچنان برازجان مرکز شهرستان دشتستان بود. تعداد شهرهای این شهرستان در فاصله دو سرشماری تغییری نکرد و برازجان به‌تنهایی، مهم‌ترین شهر جذب مهاجرین روستایی در شهرستان بود. این شهر که در سال ۱۳۴۵ ش با رشد ۷/۸ درصدی بعد از گناوه بالاترین رشد شهرنشینی در استان را داشت، در سال ۱۳۵۵ ش رشد جمعیت آن به ۴/۵ درصد تقلیل یافت. این امر نشان از کاهش جاذبه‌های شهری و فعالیت‌های عمرانی در شهر برازجان بود. اکثر روستائیان استان در این دهه بارونق فعالیت‌های عمرانی در بوشهر و گناوه بیشتر جذب این دو مرکز می‌شدند. با این حال جمعیت این شهر که در سال ۱۳۴۵ ش، ۲۰۳۵۷ نفر بود با رشد ۴/۵ درصدی که همچنان بیشتر از رشد متوسط کشور بود به ۳۱۶۱۱ نفر افزایش یافت و میزان شهرنشینی در این شهرستان هرچند که نقطه شهری جدیدی در آن شکل نگرفت؛ اما با افزایش جمعیت شهر برازجان از ۲۶/۴ درصد در سال ۱۳۴۵ ش به ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ ش افزایش یافت (صفوی، ۱۳۷۸: ۳۲).

طبق آمار رسمی در دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ ش از کل مهاجران استان (۱۹۷۸۱ نفر)، ۱۷۴۲۴ نفر یعنی (۸۸/۱ درصد) شهرستان بوشهر و ۲۳۵۷ نفر (۱۱/۹ درصد) در شهرستان دشتستان جابه‌جا شده بودند. افراد جابه‌جا شده در شهرستان بوشهر (۷/۳ درصد) شهرستان و افراد جابه‌جا شده در شهرستان دشتستان (۲/۲ درصد) جمعیت شهرستان را شامل می‌شدند. در این مقطع بیشتر مهاجرین که بخش اعظم آن از روستاها بودند، جذب بوشهر شدند. از ۱۳۵۵ ش به بعد که تا حدودی شرایط استانی بوشهر بهتر و از لحاظ اقتصادی موقعیت بهتری پیدا کرد، همچنان بوشهر مقصد اول مهاجرین بود (۴۵/۴۴ درصد). بعد از بوشهر، گناوه، دیلم، برازجان، کنگان و دیر به ترتیب بعد از بندر بوشهر قرار داشتند. در این زمان تنگستان کمترین میزان مهاجرت را داشت (۳/۳۳۳ درصد) (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهر بوشهر، ۱۳۴۵-۱۳۵۵: ج ۱۳۹-۱۴۰).

از کل جمعیت ۲۳ هزار و ۵۴۷ نفری بوشهر در سال ۱۳۴۵ ش، ۱۹/۷ درصد متولد سایر مناطق استان و کشور بودند؛ اما در سرشماری ۱۳۵۵ ش متولدین شهرستان‌های دیگر به میزان قابل توجهی افزایش یافت و از کل جمعیت ۵۸ هزار و ۹۵۶ نفر در سال ۱۳۵۵ ش حدود ۳۸/۸ درصد متولدین خارج از شهرستان و سایر استان‌های کشور بودند. با افزایش جمعیت شهری در بوشهر درصد جمعیت شاغل در بخش خدمات شهری این شهر نیز افزایش یافت. از سال ۱۳۵۵ ش به بعد این بخش از ۶۹/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ ش به ۷۳/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ ش افزایش یافت. علاوه بر آن درصد جمعیت شاغل برحسب وضع شغلی در این دوره نیز نشان‌دهنده افزایش شاغلین در بخش عمومی و دولتی بود. در مقایسه با بخش خصوصی، درصد شاغلین بخش خصوصی از ۷۰/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ ش به ۳۸/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ ش کاهش یافت و در مقابل درصد شاغلین بخش عمومی و دولتی از ۲۸/۶ درصد سال ۱۳۴۵ به ۵۹/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهر بوشهر ۱۳۴۵-۱۳۵۵: ج ۱۳۹-۱۴۰). به نظر علت اصلی این افزایش ناگهانی می‌تواند به خاطر اجرای سیاست عدم تمرکز، تبدیل فرمانداری بوشهر به مرکز اداری و سیاسی استان و اجرای طرح‌های نظامی و ملی باشد. از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این دوره، استقرار تعداد زیادی واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ، رشد و توسعه خدمات بندری، وارداتی و تجاری، تأسیس اسکله بارگیری و باراندازی و پایگاه‌های نیروی دریایی (اسکله، آموزشگاه‌ها و مراکز تدارکاتی) نام برد (ساکما-۱۳۷۲۵/۲۹۳). در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها فرصت‌های شغلی جدیدی در شهر بوشهر ایجاد شد که پیامد اصلی آن جذب جمعیت بیشتر بود.

روند رشد جمعیت در شهر بوشهر در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵



#### شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در بوشهر

یکی از پیامدهای رشد شهرنشینی، ظاهر شدن و یا گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها بود. حاشیه‌نشینی یا به زبان‌های بومی و محلی، زاغه‌نشینی یا کپرنشینی پدیده‌ای بود که در دهه چهل، بعد از اصلاحات ارضی و با گسترش مهاجرت‌های روستایی در اطراف شهرهای بزرگ شکل گرفت. این پدیده عبارت بود از نحوه زیست گروهی از مردم که دارای امکانات عادی شهری نبودند. این عده به لحاظ کمبود درآمد و فقر مالی در حاشیه شهرها در اماکنی به اسم زاغه، گود، آلونک و یا کپر ساکن شده و از نظر نوع مسکن، بهداشت و بهره‌مندی از خدمات اجتماعی و سایر تأسیسات شهری در مضیقه بودند (پوستچی و همکاران، ۱۳۵۳: ۲-۳؛ زاهد زاهدانی، ۱۳۵۸: ۱-۲۶). به بیان دیگر، حاشیه‌نشینی معلول گسترش سریع شهرها و بالأخص مهاجرت روستائیان و ایلات و عشایر به شهرهای پرجمعیت‌تر بود. افراد بی‌بضاعت و کم‌درآمد و آن‌هایی که در اثر خشک‌سالی و بی‌زمینی و سایر عوامل توانایی مالی خود را از دست داده بودند به طرف شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کرده و چون به علت وضع اقتصادی نامساعد قدرت زندگی در داخل شهر را نداشتند در حاشیه شهرها ساکن شدند.

در این مقطع شهر بوشهر نیز که همچون دیگر شهرهای بزرگ کشور با مهاجرت گسترده روستائیان مواجه شد، پدیده حاشیه‌نشینی نیز در آن به شکل گسترده‌ای خودنمایی کرد. این شهر در

فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ش دارای رشد متوسط جمعیت ۲/۵ درصد، برابر با رشد متوسط کل کشور بود؛ اما در دهه دوم از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش با رشد جمعیت ۹/۶ درصد روبه‌رو شد که چند برابر رشد متوسط جمعیت در کشور بود. در این دهه جمعیت بوشهر از ۲۳۵۴۷ نفر به ۵۸۹۵۶ نفر افزایش یافت (نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن شهر بوشهر، ۱۳۴۵-۱۳۵۵: ج ۱۴۰-۱۳۹). این افزایش گذشته از رشد طبیعی جمعیت شهری در بوشهر به دلیل مهاجرت گسترده روستائیان بود که به دلیل شرایط موجود در این سال‌ها، به‌ناچار برای امرارمعاش به شهر روی آوردند. در این زمان با توجه به تورم عمومی و گرانی و کمیابی بسیار در بوشهر این مهاجرین قادر به تهیه مسکن در شهر نبودند؛ بنابراین به بخش حاشیه شهر پیوستند.

طبق سرشماری کاملی که در تاریخ ۱۸ تا ۲۰ مرداد ۱۳۵۱ ش توسط مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در بندر بوشهر و همچنین مطالعات مشترکی که توسط سازمان برنامه و لژیون خدمتگزاران بشر انجام شد، تعداد ۴۲۰ خانوار کپرنشین در بوشهر وجود داشت (ساکما- ۲۳۰/۲۶۸۳۷؛ کپرنشینان بوشهر، ۱۳۵۱: ۱-۲). از این تعداد ۲۵۴ خانوار به تعداد ۱۵۲۵ نفر در کنار جاده اصلی شهر بوشهر در زمینی به مساحت ۳۰۰ هزار مترمربع که متعلق به شهرداری بود زندگی می‌کردند (ساکما- ۲۳۰/۲۶۸۳۷). محلات اصلی حاشیه‌نشینی در بوشهر شامل: محله کولی‌ها، خلیفه آباد و هلالی با ۳۵ خانوار، بین محله سنگی و شکری با ۱۷ خانوار، محله جبری با ۲۰ خانوار، محله عالی آباد با ۳۱ خانوار، محله صلح آباد (ظلم آباد قدیم) با ۴۷ خانوار و کپرنشینان متفرق در داخل شهر نیز ۸ خانوار بودند. محله کولی‌ها محل سکونت ۲۴ خانوار از عشایر قشقایی بود که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ این اراضی قشلاق آنان بود. این افراد از سال ۱۳۳۹ ش در همین محل به‌طور ثابت اسکان یافته بودند. آن‌ها زمستان را در کپرها سپری کرده و تابستان‌ها روی زمین‌های مجاور بدون سرپناه زیر سایه درختان و بعضی از آن‌ها نیز در چادرهای سرهم‌بندی شده زندگی می‌کردند. از آنجایی که این اراضی ملک خصوصی بود، به همین خاطر هر خانوار سالانه مبلغ یک‌صد ریال بابت اجاره زمین به مالک پرداخت می‌کرد. محله صلح آباد که نام قدیمی آن ظلم آباد بود، حدود ۳۰ خانوار در خانه‌های سنگی و گلی زندگی می‌کردند و در تابستان‌ها که هوا گرم می‌شد ۴ تا ۵ ماه را در کپر زندگی می‌کردند. محله شکری و سنگی که تقریباً دوسوم کپرنشینان بوشهر را شامل بود، بیشتر مهاجرین روستایی بودند که در سال‌های بعد از اصلاحات ارضی به خاطر شرایط ذکرشده فقر و بیکاری به بوشهر مهاجرت کرده بودند. در این محله که اراضی آن متعلق به شهرداری بود، امکان کپر زدن برای تمامی خانوارها مهیا بود. علاوه بر محلات بیان‌شده، در جنوب بوشهر روستای بهمنی که در ۱۲ کیلومتری شهر واقع بود، نیز تعداد زیادی در حدود ۴۰۰-۵۰۰ نفر کارگر روستایی در دو ساختمان متروکه این روستا سکونت داشتند.

این افراد معمولاً کارگران سنگ‌بری در این روستا و یا دیگر دهات نزدیک به شهر بودند (کپرنشینان بوشهر، ۱۳۵۱: ۱-۲).

تعداد کپرنشینان بوشهر بر روی هم و با احتساب کارگران روستایی سنگ‌بری دو هزار نفر بودند. متوسط تعداد خانوارها در هر کپر ۵ نفر بود؛ که با متوسط خانوار شهری در بوشهر طبق سرشماری ۱۳۴۵ ش که ۵/۱ بوده برابر بود. طبق آمار موجود اکثر این افراد جوان بودند. بیش از ۵۴ درصد از آنها کمتر از ۲۰ سال، نزدیک به ۳۸ درصد بین ۲۰ تا ۶۰ سال و کمتر از ۸ درصد از آنان بیشتر از ۶۰ سال داشتند. نکته دیگر در مورد منشأ این حاشیه‌نشینان این‌که همه این افراد مهاجرین روستایی نبودند، ۷۷ درصد متعلق به فرمانداری کل بوشهر و ۱۳ درصد از سیستان و بلوچستان و ۱۰ درصد دیگر از دیگر استان‌های کرمان، ساحلی، خوزستان و فارس بودند (ساکما- ۲۶۸۳۷/۲۳۰). در بین رؤسای خانوارها حدود ۲۵ درصد از آنان متولد خود بوشهر بوده ۱۰ درصد از سایر شهرها و ۶۵ درصد باقی‌مانده مهاجران روستایی بودند که از دهات اطراف بوشهر و سایر بخش‌های آن به بندر بوشهر مهاجرت کرده بودند. حاشیه‌نشینان شهری که عموماً از طبقه پایین و فقیر شهری بودند در زمان آمارگیری بیش از ۲۰ سال بوده که در این نقاط ساکن بودند. این افراد به دلیل بالا رفتن قیمت خانه‌ها و اجاره‌بها دیگر قادر به پرداخت اجاره‌بها یا خرید خانه نبود و در زمین‌های ارزان قیمت اطراف شهر به کپرنشینی روی آورده بودند. مهاجران روستایی نیز اکثر در سال‌های دهه ۴۰ و کمتر از ده سال بوده که در این نواحی ساکن شده بودند. شغل پدر نیمی از این کپرنشینان شهری عملگی و کارگری و کارهای ساده بود؛ اما کپرنشینان روستایی که شغل پدران آنان کشاورزی بوده اکثریت قاطع آنان از خوش‌نشینان، درصدی از آن کارگر کشاورزی، ساریان، چوپان و کمتر از ده درصد آن کشاورزان سهم‌بر و صاحب نسق بودند (ساکما- ۲۶۸۳۷/۲۳۰؛ کپرنشینان بوشهر، ۱۳۵۱: ۳-۵).

مسکن حاشیه‌نشینان بوشهر که در عنوان کلی «کپر» ذکر شده بود، ساختمانی مرکب از یک یا دو اتاق که ۷۰ درصد آن یک اتاقی، ۲۵ درصد دو اتاقی و ۵ درصد از آنان لاقل در فصل تابستان مردمان «بی‌خانمان» بودند و روی زمین بدون سرپناه زندگی می‌کردند. ساختمان آنها با مصالحی از قبیل حصیر، سوند (برگ درخت خرما)، بوریا، سنگ، گل، چوب، گچ، مقوا و حلبی سرهم شده بود (ساکما- ۲۶۸۳۷/۲۳۰). از آنجایی که اکثر این خانه‌ها از حصیر، سوند و بوریا ساخته شده بود، آنان را کپر و ساکنانش را کپرنشینان نامیده بودند؛ البته شامل «پاشلی» نیز می‌شد که نوعی کپر بود با دیوارهای سنگی که روی طاق آن حصیر گذاشته بودند. امکانات رفاهی کپرنشینان بسیار محدود بود، آنان فاقد امکانات آب و برق بودند، برای هر پنج یا شش نفر یک مستراح، برای هر شش یا هفت خانوار یک آشپزخانه و برای هر دو سه خانوار یک سایه‌بان وجود داشت. متوسط مساحت کپر هر خانوار حدود ۱۳

مترمربع، متعلقات آن حدود ۶ مترمربع و مساحت آزاد وابسته به آن ۶۰ مترمربع بود. حدود ۲ یا ۳ درصد مالک زمین بودند، ۹۰ درصد این زمین‌ها به صورت تصرف عدوانی بود و تنها ۷/۵ درصد با رضایت مالک در آنجا سکونت داشتند (کپرنشینان بوشهر، ۱۳۵۱: ۳-۵).

مسئله کپرنشینان در همان اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مورد توجه مردم بوشهر قرار داشت. در سال ۱۳۴۸ ش که فرمانداری بوشهر زیر نظر استاندار ساحلی بود، به دنبال رسیدگی دولت به وضعیت حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ، برای کپرنشینان استان ساحلی اعتبار کلانی در نظر گرفته شده بود. در این زمان وزارت آبادانی و مسکن پروژه و نقشه‌هایی برای صاحب‌خانه کردن کپرنشینان در نواحی جنوب در نظر گرفته بود، این بودجه در استانداری ساحلی زیر نظر استاندار (منوچهر پیروز) تماماً به بندرعباس اختصاص یافت. این امر برای بوشهری‌ها بسیار ناراحت‌کننده بود؛ زیرا آنان تعداد حاشیه‌نشینی بوشهر را بیشتر می‌دانستند؛ کما این که اراضی وسیعی در ساحل شرقی بندر بین کوی سنگی و بندر بوشهر در تصرف تعداد زیادی کپرنشین وجود داشت که اکثر آن‌ها نیز از اهالی میناب و بندرعباس بودند (پیک خجسته، ۱۳۴۸: ۱-۴؛ ۱۳۴۹: ۱). همچنین در سال ۱۳۵۲ ش بعد از سفر نخست‌وزیر به فرمانداری بوشهر و گزارش سازمان برنامه در مورد وضعیت کپرنشینان در بوشهر، به دلیل کمبود منابع مالی و اجرای سیاست‌های دولت در زمینه محدودیت فعالیت‌های ساختمانی، اعتباری جهت احداث خانه‌های ارزان قیمت برای کپرنشینان بندر بوشهر پیش‌بینی نشد (ساکما-۲۶۸۳۷/۲۳۰).

### نتایج پژوهش

در دوران گذشته در بوشهر (فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس) با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی آن تحرک و مهاجرت ساکنین آن نسبت به دیگر مناطق کشور بیشتر و کاملاً مشهود بود. این مهاجرت‌ها بیشتر در میان طبقه تجار و مرفه شهری صورت می‌گرفت که به محض ناامن شدن اوضاع اقدام به مهاجرت می‌کردند و طبقات پایین و روستایی بیشتر محکوم به تحمل شرایط موجود بودند. هم‌زمان با برنامه عمرانی سوم اصلاحات ارضی نیز در کشور اجرا شد و این امر موجب آزادی طبقه روستایی و رعیت از قیدوبندهای ارباب‌رعیتی شد. در این شرایط روستائیان دیگر الزامی به تحمل شرایط نداشتند؛ در نتیجه راحت‌تر اقدام به مهاجرت کردند. بوشهر همچون دیگر مناطق کشور در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ شاهد شکل‌گیری مهاجرت‌های گسترده روستایی بود که بخش عمده آن به مرکز و بخشی از این مهاجرت‌ها نیز از نواحی مختلف استان به سواحل جنوبی خلیج فارس انجام شد. با گسترش مهاجرت‌های روستایی تعداد جمعیت شهری در این ناحیه افزایش یافت. بوشهر که در سال‌های قبل از دهه ۴۰ دارای کمترین میزان شهرنشینی در سطح کشور بود، در سال‌های بعد از آن با رشد بالایی از شهرنشینی مواجه شد. این رشد از یک سو به خاطر رشد طبیعی

بالای جمعیت شهری و از سوی دیگر ادامه روند مهاجرت‌های روستایی بود. در اولین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ ش فرمانداری کل دارای دو شهرستان (بندر بوشهر و دشتستان) و دو شهر (بوشهر و برازجان) بود. در این مقطع فرمانداری کل با داشتن تنها دو نقطه شهری کمترین میزان شهرنشینی کشور را دارا بود. در دهه بعد با اجرا شدن اصلاحات ارضی و طرح‌های عمرانی جمعیت شهری در منطقه به سرعت افزایش یافت. در دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ش فرمانداری کل رشد شهرنشینی بالایی داشت، درصد شهرنشینی آن به ۲۱/۷ درصد افزایش یافت و تعداد شهرهای آن نیز به ۴ نقطه شهری افزایش یافت. شهرستان بوشهر با سه شهر (بندر بوشهر، خارک و بندر دیلم) دارای ۱۹/۵ درصد جمعیت شهری بود. شهرستان دشتستان هم با یک شهر (بrazجان) بیشترین رشد جمعیت شهری را داشت به طوری که جمعیت شهری آن از ۹/۳ درصد در سال ۱۳۳۵ ش به ۲۸/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ ش افزایش یافت. افزایش جمعیت شهری فرمانداری کل در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش که فرمانداری به استان تبدیل شد، همچنان ادامه داشت. در این مرحله جمعیت شهرنشین در استان رشد چشمگیرتری یافت به طوری که از ۲۱ درصد کل به ۳۴/۲ درصد افزایش یافت و تعداد نقاط شهری آن نیز به ۵ شهر افزایش یافت. تراکم پایین جمعیت در استان باعث شد که تعداد نقاط شهری آن با وجود رشد بالای شهرنشینی در طول سال‌های مورد نظر افزایش چندانی نداشته باشد. بوشهر که تا سال‌های قبل از دهه چهل و پنجاه شرایطی کاملاً مهاجر فرست داشت، از نیمه دوم دهه ۵۰ شرایط آن کاملاً تغییر کرد و به یکی از مناطق مهاجرپذیر در کشور تبدیل شد. یکی از پیامدهای افزایش جمعیت در شهر بوشهر ایجاد تورم و بالا رفتن قیمت خانه، زمین و اجاره‌بها بود. در این شرایط مهاجران فقیر که از تهیه خانه و اجاره‌بها عاجز بودند در اطراف شهر به حاشیه‌نشینی روی آوردند و باعث پیدایش و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در بوشهر شدند.

### پیوست

<sup>۱</sup> نوعی بیماری انگلی بومی در نواحی جنوب ایران که دلیل عمده آن نبود بهداشت و وضعیت پزشکی پایین جامعه بود. وجود بیماری «رشته» و یا به اصطلاح محلی «بیوک»، در کلیه نقاطی که از آب، آب‌انبارها استفاده می‌کردند، بروز داشت. اکثر ساکنین جنوب به این نوع بیماری مبتلا بودند. اشخاص مبتلابه این بیماری دچار تب‌های شدید و حالت تهوع می‌شدند و این بیماری سالانه موجب مرگ بسیاری از ساکنین جنوب می‌شد. (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۷)

<sup>۲</sup> در سال ۱۳۴۶ ش که استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تشکیل شد، فرمانداری خارک تابع استان خوزستان شد (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ج ۲/ ۱۰۲).

## منابع و مطالعات

- آبادیان، حسین، (۱۳۹۷) «اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستاییان به شهر تهران»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی، س ۸، ش ۲، ص ۱-۲۰.
- احمدیان، بهرام، (۱۳۸۵) تقسیمات کشوری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- احمدی ری‌شهری، عبدالحسین، (۱۳۸۰) سنگستان، ج دوم، شیراز: انتشارات نوید.
- استفان رای، گرومون، (۱۳۷۸) چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه، قم: موسسه نشر همسایه.
- اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷، (۱۳۹۰) مرکز پژوهش و سنجش اسناد ریاست جمهوری، به کوشش ایرج محمدی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
- اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، (۱۳۹۳) به کوشش مجتبی پدیدار، جلد اول، تهران: انتشارات آباد بوم.
- اشرف، احمد و علی بنو عزیزی، (۱۳۷۲) «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، ترجمه عماد افروغ، مجله راهبرد، ش ۲.
- ایران محبوب، جلیل، (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی شهری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ایوانف، م. س، (۱۳۸۵) عشایر جنوب، ترجمه کیوان پهلوان، معصومه داد، تهران: انتشارات آرون.
- پوستچی، ایرج و همکاران، (۱۳۵۳) طرح مطالعاتی حاشیه‌نشینی‌های شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- جعفری، عبدالرحیم، (۱۳۴۳) «راه تجدید حیات نواحی جنوب»، پیک خجسته، ش ۳-۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۶) «استانداردی بنادر در قضاوت مردم جنوب»، پیک خجسته، ش ۲-۷.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی، (۱۳۶۳) شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، (بی‌تا) فارس نامه نصری، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- حیدری، جهانگیر، (۱۳۹۲) «بررسی نقش دولت در پیدایش و توسعه کالبدی- فضایی بندر بوشهر»، فصلنامه مطالعات شهری، ش ۷.
- زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۶۵) «نظریه‌ای در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دور دوم، ش اول، ص ۲-۱۸.
- زاهدی مازندرانی؛ محمدجواد و دیگران، (۱۳۶۶) «مهاجرت روستایی و روند یک‌صد ساله اخیر آن در ایران»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۲.
- زنجانی، حبیب‌الله، فریدون رحمانی، (۱۳۶۸) راهنمای جمعیت شهرهای ایران، تهران: مرکز مطالعات معماری و شهرسازی ایران.
- دانش، ابوالحسن، (۱۳۶۲) مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم، تهران: سازمان برنامه

و بودجه.

ساعدی، غلامحسین، (۱۳۴۵) اهل هوا، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۴۵) ج ۱۶۵، فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس، تیرماه ۱۳۴۷. سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه، (۱۳۵۵) شهرستان بوشهر، ش ۱۴۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۴۵) ج ۱۳۹، شهرستان بندر بوشهر، خرداد ۱۳۴۷. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۴۵) شهرستان دشتستان، ج ۱۴۰، خرداد ۱۳۴۷. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۵۵) شهرستان دشتستان، ش ۱۴۴، خرداد ۱۳۵۸. شکوئی، حسین، (۱۳۶۹) جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. صفوی، مهرناز، (۱۳۷۸) وضعیت مهاجرت در استان بوشهر طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۵، بوشهر: سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر.

فریدی مجید، فاطمه، (۱۳۹۰) سرگذشت تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۸۵، تهران: بنیاد ایران‌شناسی. فلور، ویلم، (۱۳۸۷) ظهور و سقوط بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، تهران: انتشارات طلوع دانش. قدیری معصوم، مجتبی، (۱۳۸۷) «نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا شهری»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۳.

کپر نشینان بوشهر، (۱۳۵۱) تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. کتاب‌شناسی استان بوشهر، (۱۳۷۲) سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر، شیراز: چاپخانه مصطفوی شیراز. لوریمر، ج. ج، (۱۳۷۹) راهنمای خلیج فارس، تاریخ و جغرافیای استان بوشهر، ترجمه سید محمدحسن نبوی، شیراز: انتشارات نوید.

محرمی، نعمت‌الله و حسن مهربان، (۱۳۸۵) مجموعه قوانین و مصوبات تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۶۳، تهران: انتشارات گوهرشاد.

مؤمنی، باقر، (۱۳۵۹) مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: انتشارات پیوند.

پیک خجسته (۱۳۴۸/۵/۵)، ش ۸۴۶.

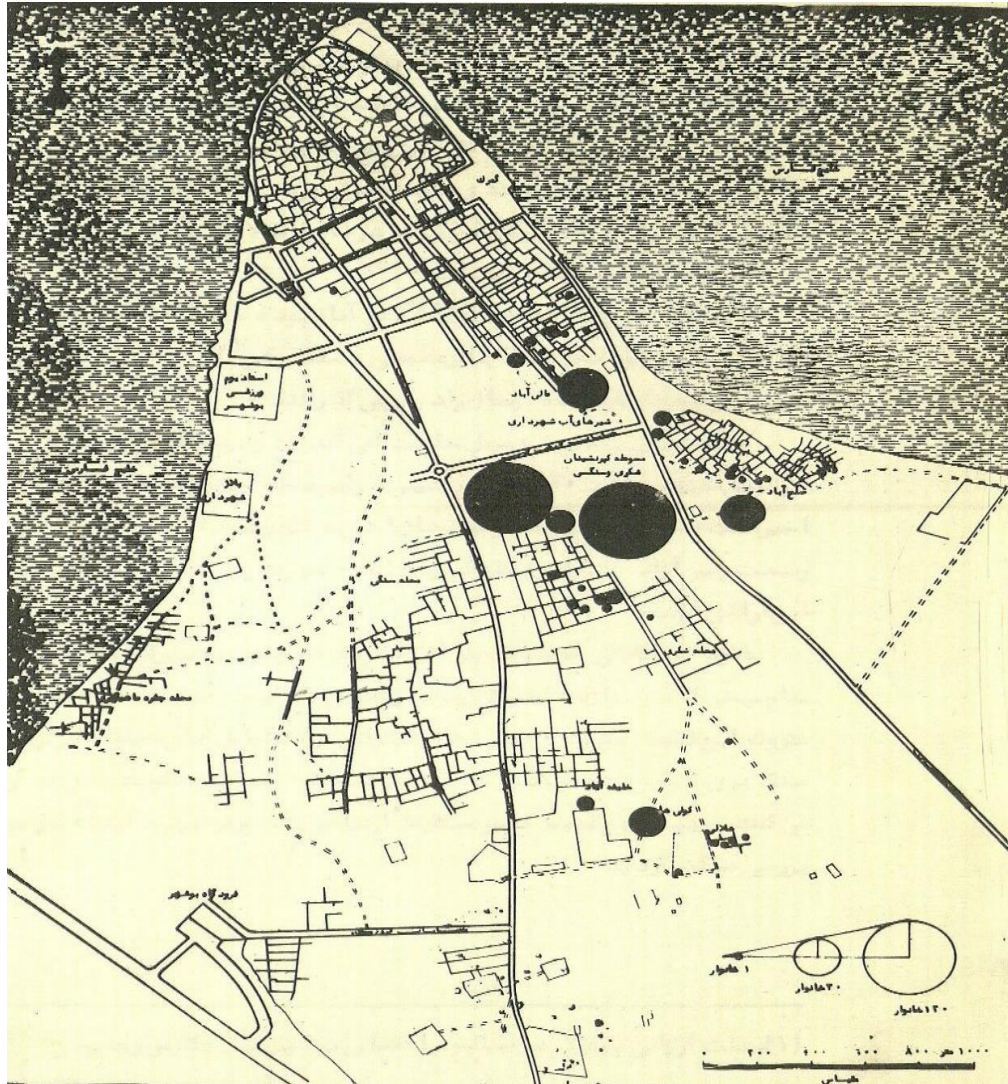
پیک خجسته (۱۳۴۹/۵/۳۱)، ش ۹۰۳.

#### اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما تهران): ۲۳۰/۲۶۸۳۷؛ ۲۳۰/۲۳۵۳۴؛ ۲۳۰/۱۳۷۲۵؛ ۲۹۳/۱۳۷۲۵؛ ۲۳۰/۲۶۸۳۳.

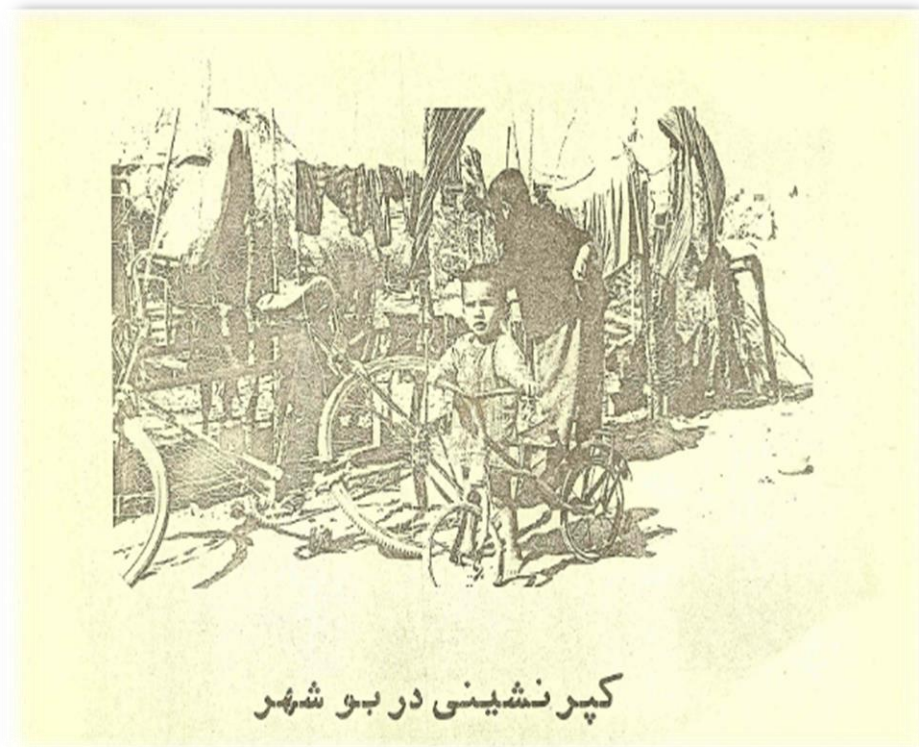
۳۱۰/۱۷۰۶۱

## تصاویر



توزیع خانوارهای کپرنشین در محلات بوشهر

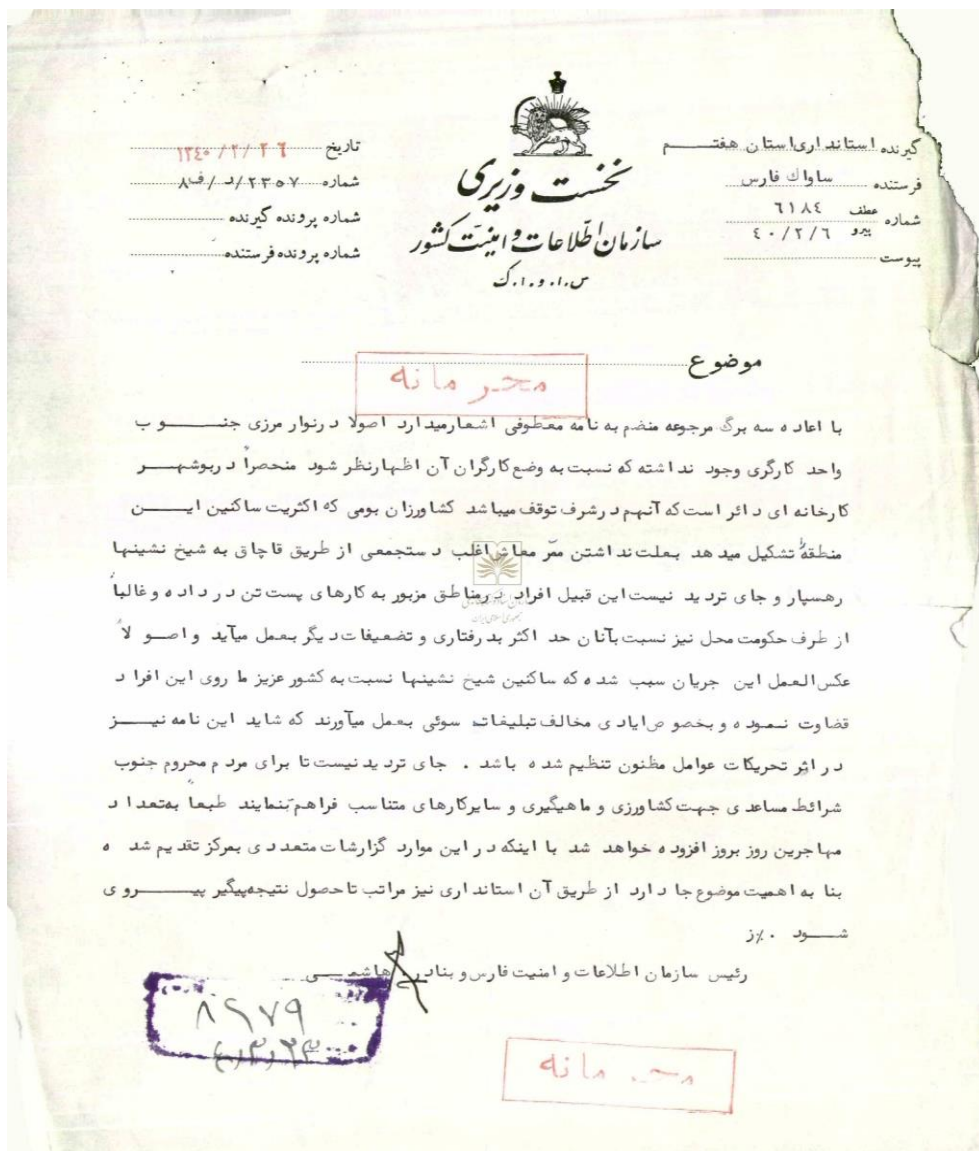
مأخذ: مرکز اسناد و کتابخانه دانشگاه تهران، کپرنشینان بوشهر ۱۳۵۱



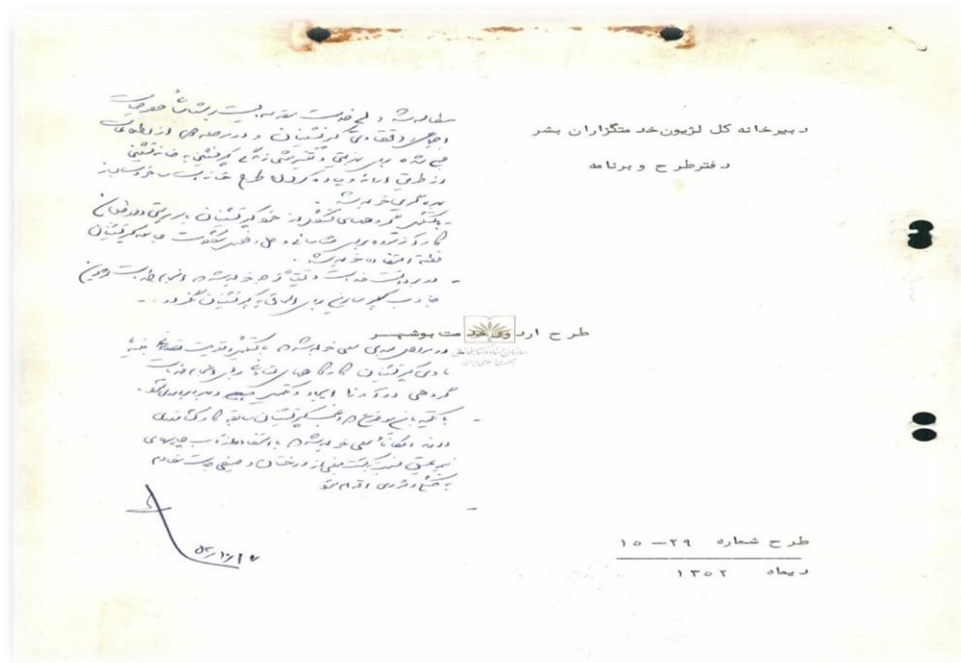
کپر نشینی در بو شهر

ساکما- تهران - ۲۳۰/۲۳۵۳۴









ساکما- تهران- ۲۳۰/۲۶۸۳۳